

آخرین ساعات حیات رئیس جمهور اسبق افغانستان چگونه گذشت!

قتل دکتر "نجیب ا لله" از قول شاهد جنایت!

* دکتر نجیب ا لله در سال های اقامت در مقر سازمان ملل متحد افغانستان، کتابی با عنوان "ویران های افغانستان" به زبان پشتو نوشته است.

* نجیب ا لله را در میدان "آریانا" ابتدا از پشت با گلوله زدند و سپس مانند یک اسیر جنگی در میدان گردانند و آنقدر او را زدند تا به قتل رسید، سپس پیکر بی جانش را به دار آویزان کردند.

اخیرا گزارشی را پیرامون آخرین ساعات حیات دکتر نجیب ا لله، رئیس جمهور اسبق افغانستان منتشر شده است. بر مبنای این گزارش، که متکی به مشاهدات یکی از نزدیکان دکتر نجیب ا لله تهیه شده است، مقامات سرویس اطلاعاتی ارتش پاکستان و دستگاه های جاسوسی آمریکا، از پیش در جریان توطئه قتل جنایتکاران نجیب ا لله و برادر وی بوده و در آن دست داشته اند. شاهد این جنایت می نویسد:

«... سازمان ملل متحد، تحت فشار آمریکا، هیچ اقدامی برای جلوگیری از قتل نجیب ا لله به عمل نیآورد. روز پیش از سقوط کابل بدست طالبان و قتل نجیب ا لله، برهان الدین ربانی در دفتر نمایندگی سازمان ملل در کابل، با نجیب ا لله ملاقات کرده و از او می خواهد، که قبل از سقوط کابل به دست طالبان، همراه وی شهر را ترک کند. نجیب ا لله این پیشنهاد را قاطعانه رد کرده و می گوید: «من به هیچ وجه افغانستان و افغان ها را تنها نمی گذارم. از یک ها، هزاره ها و تاجیک ها، تاکنون به من سو قصد نکرده اند و فکر نمی کنم پشتوها نیز چنین کنند.» ربانی چند بار پیشنهاد خود را تکرار می کند، اما نجیب ا لله هر بار آنرا رد می کند. این ملاقات ساعت ۳ بعد از ظهر ۲۷ سپتامبر انجام شد. در این زمان نیروهای طالبان سرگرم نبرد سنگینی با نیروهای حزب اسلامی، در منطقه "سروبی" کابل بودند.

... اندکی پیش از سقوط کابل، ژنرال فهیم، وزیر اطلاعات و امنیت دولت ربانی، همراه با ۶ مردم مسلح در مقر سازمان ملل در کابل حاضر شد و از نجیب ا لله خواست تا بدون فوت وقت همراه او کابل را ترک کند. دکتر نجیب ا لله با خونسردی پاسخی را که به ربانی داده اند، برای ژنرال فهیم نیز تکرار کرد و گفت: «من کابل را ترک نمی کنم، بگذار سرنوشت من هر چه می خواهد بشود!»

بر اساس اطلاعات موجود، برخی از مقامات برجسته حکومت ربانی و حتی برخی همکاران گذشته نجیب ا لله نیز در آخرین دقائق قبل از سقوط کابل به او هشدار دادند که جانش در خطر جدی است.

صبح روز بعد، کابل سقوط کرده بود و قوای مسلح طالبان به نشانه پیروزی در خیابان های کابل تیراندازی هوایی می کردند. ساعت ۱۴:۵۵ بامداد، دو مرد مسلح وارد دفتر نمایندگی سازمان ملل در کابل شدند و از دکتر نجیب خواستند تا برای ملاقات با "ملاحسن" و "ملاربانی"، رهبران طالبان همراه آنها برود. متعاقب این دو مرد مسلح، شش مرد مسلح دیگر نیز برای همراه بردن نجیب ا لله وارد مقر سازمان ملل شدند. نجیب ا لله لباس خود را پوشید و همراه برادر خود "شاهپور احمد زهی" مقر سازمان ملل را ترک کرد. برادر نجیب ا لله، دو روز قبل از سقوط کابل و به قصد دیدار با برادرش از دهلی به کابل بازگشته بود. احمد زهی بدنبال هشدار مقامات سازمان ملل مبنی بر در خطر

بودن جانش، پیش از سر رسیدن مردان طالبان و به توصیه نجیب ا لله، قصد داشت ساختمان سازمان ملل متحد در کابل را به مقصد خانه اش در منطقه "مکرورویان" ترک کند، که فرصت این کار نشد!

دو کارمند سازمان ملل، که همراه نجیب ا لله و برادرش از ساختمان سازمان ملل خارج شده و باصطلاح آنها را همراهی می کردند، ساعتی بعد باز گشتند و گفتند «دکتر نجیب کشته شد!»

شاهدان نقل کرده اند، که اتومبیل حامل نجیب ا لله حوالی ساعت ۲ بامداد به میدان "آریانا" و به حوالی کاخ ریاست جمهوری رسید. در این محل اتومبیل ناگهان از حرکت به طرف کاخ ریاست جمهوری باز ایستاد! چند لحظه ای به این حالت گذشت، تا از داخل اتومبیل دیگری که در همان حوالی ایستاده بود، دو مرد مسلح پیاده شده و بطرف اتومبیل حامل نجیب ا لله آمدند. یکی از این دو نفر ژنرال "شهنواز تنی"، وزیر اسبق دفاع در دولت نجیب ا لله بود. او بدنبال شکست کودتائی که در جریان سیاست مصالحه ملی، از طرف پاکستان سازمان داده شده بود، به پاکستان گریخته و به توصیه و سفارش سازمان اطلاعاتی پاکستان و با نام "ملابرادر" به طالبان پیوسته بود. (شهنواز تنی، رهبری آن کودتای نافرجام را برعهده داشت. کودتائی که قرار بود، بلافاصله از سوی دو دولت عربستان و پاکستان حمایت شده و به رسمیت شناخته شود.)

"شهنواز تنی"، که مسلح بود از دکتر نجیب خواست تا از اتومبیل پیاده شود و از او پرسید: مرا می شناسی؟ نجیب ا لله پاسخ داد: «خوب می شناسم! تو خاتمی هستی که می خواستی کشور را تقدیم بیگانگان کنی!»

در این هنگام، از چند سوی میدان تیراندازی شروع شد، هیچ معلوم نبود کی به طرف کی تیراندازی می کند! این درگیری و تیراندازی حدود نیمساعت طول کشید. به دکتر نجیب که هیچ سلاحی همراه نداشت، از پشت سر، با کلت تیراندازی کردند و یک تیر به او خورد. شهنواز تنی هم معلوم نشد از کدام طرف تیر خورد.

افراد مسلح طالبان، پس از آنکه نجیب ا لله خون آلود نقش زمین شد و شهنواز تنی نیز به داخل اتومبیلش منتقل شد، دست های نجیب ا لله و برادرش را با طناب بسته و از زمین بلند کردند و آنها را مانند اسرای جنگی در اطراف میدان گردانند. نجیب ا لله شدت زخمی بود و از محل تیر خوردگی او خون جاری بود. هنگام گرداندن آنها در اطراف میدان، افراد طالبان با چوب، چاقو و هر وسیله ای که در دست داشتند بر سر و روی آنها می زدند. نجیب ا لله بدین ترتیب و بر اثر زخم گلوله و ضرباتی که بر سر و روی او کوبیده بودند، پیش از روشن شدن هوا به قتل رسید. در این مدت از سوی رهبران فاتح هیچ عکس العملی نشان داده نشد و این خود دلیل بر آن بود، که تمامی توطئه توسط خود آنها سازمان داده شده و بر جزئیات آن نظارت داشتند. حوالی ساعت ۷ صبح، پیکر دکتر نجیب ا لله را که ساعت ها از قتل او گذشته بود، به گوشه ای از میدان آریانا، که طنابی را به اتاقک بلند محل ایستادن ماموران راهنمایی و رانندگی آن گیر داده بودند، بردند و او را همراه برادرش، که او نیز به قتل رسیده بود، به طناب آویزان کردند.

ساعت ۸ صبح، طالبان با بلند گوه های سیار در شهر به حرکت درآمدند و به مردم دستور دادند به میدان آریانا بروند و اجساد را ببینند. طالبان در همین حال اعلام می کردند، که سرنوشت مشابهی در انتظار برهان الدین ربانی، حکمتیار و عبدالرسول سیاف است.

پیکر نجیب ا لله و برادرش سه روز از طناب آویزان بود! پس از سه روز اجساد را از طناب باز کرده و به استان پشتون نشین پکتیا، که زادگاه نجیب ا لله بود منتقل شد. او خود پشتون بود و در زادگاهش مردم چند روز مراسم عزاداری برپا کردند.

در چهار سالی که نجیب ا لله در دفتر سازمان ملل در کابل مقیم بود، شبها را برای مطالعه و نوشتن بیدار می ماند و ۸ صبح تا یک بعد از ظهر می خوابید. در همین مدت او کتابی درباره سرگذشت تلخ افغانستان نوشت، که عنوان آن "ویرانه های افغانستان" است. این کتاب به زبان پشتو نوشته شده است. طی همین سال ها، ربانی حداقل ۳ بار، گلبدین حکمتیار دو بار و ژنرال فهیم پنج بار در دفتر سازمان ملل متحد با نجیب ا لله دیدار و پیرامون اوضاع کشور مذاکره کردند. ده روز قبل از سقوط کابل بدست طالبان نیز، خانواده نجیب ا لله ملاقاتی هفت ساعته با وی داشتند!

(بخش هایی از این گزارش، بصورت نادقیق و تحریف شده، در روزنامه انگلیسی زبان ایران دیلی منتشر شده و نشریه "چیستا" نیز آنرا به نقل از این روزنامه تجدید چاپ کرده است)